جایگاه

قرض الحسنه

در اندیشه‌ی اسلامی و تفکر رضوی

نویسنده : مهدی آقابابایی

بسم الله الرحمن الرحیم

جایگاه قرض الحسنه در اندیشه ی اسلامی و تفکر رضوی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جایگاه قرض‌الحسنه در اندیشه‌ی اسلامی و تفکر رضوی

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی آقابابایی

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

چکیده

یکی از سنت‌های حسنه و الهی قرض‌الحسنه می‌باشد. که در این مقاله درباره جایگاه قرض‌الحسنه در اندیشه‌ی اسلامی و سیره‌های رضوی علیه‌السلام بحث نموده‌ایم؛ و برای روشن شدن این فریضه از فرهنگ لغت، قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بهره‌های کامل را بردیم و در پایان هم قرض‌الحسنه را در سیره‌های رضوی علیه‌السلام و روایاتی که از آن بزرگوار پیرامون قرض و قرض‌الحسنه بوده و فلسفه‌ی تحریم ربا بحث نموده‌ایم، و در کلمه ای حضرت در باره فلسفه تحریم ربا فرموده‌اند: ربا باعث می‌شود که قرض‌الحسنه و اعمال نیک در جامعه از بین برود؛ و اینک مطالب را تقدیم به دوستداران سنت حسنه می‌نماییم.

واژگان کلیدی

قرض‌الحسنه، ربا، وام، قرض، روایات، آیات و ...

مقدمه:

قرض‌الحسنه سنت اسلام است که اقتصاد را در خدمت عقیده می گیرد.

قرض‌الحسنه، تجلی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و مبانی عقیدتی بر سودجوئی‌های اقتصادی است.

قرض‌الحسنه، نوعی ایثار است و ربا یکی از انواع پلید استثمار.

قرض‌الحسنه، همان اندازه ارزشمند است که ربا ضد ارزش است.

قرض‌الحسنه، وام دادن به خداست و کدام مؤمن است که از وام دادن به خدا احساس تردید یا پشیمانی نماید؟

سوء استفاده از این سنت اصیل قرآنی هرگز نمی‌تواند بهانه‌ای برای گریز و احیاناً برخورد با این مستحب قطعی اسلام باشد.

بیاییم در پرتو انوار قرآن و معصومین علیهم السلام زندگی را از معنویت و ایثار سرشار سازیم و این سنت مذهبی را بار دیگر در جامعه‌ی بزرگ اسلامی با اهداف و شیوه‌های خداپسندانه آن؛ احیاء نماییم.

قرض در فرهنگ اسلامی

قرض، جزیی از ارکان یک نظام اقتصادی است که دارای نتایجی اجتماعی می‌باشد و در قرآن و روایات به اهمیت آن تاکید فراوانی شده است.

نظام ربوی یک نظام اقتصادی است که درست در مقابل قرض‌الحسنه جای دارد. اگر هدف نظام ربوی را بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم، عبارت است از: افزایش سود و سرمایه و ایجاد روحیه‌ی تکاثر و ظلم و زور.

اما قرض نتایجی، چون زنده کردن روح عطوفت در جامعه و ایجاد قسط و عدالت دارد. مختصر اینکه ربا بر ظلم و تعدی و

جمع کردن مال بنا شده و قرض بر ایثار و احسان ومردمداری استوار گشته است.
از این رو قرض، ربا را از صحنه‌ی اقتصادی بیرون می‌کند. در قرآن ربا نظام زشت و منکر اقتصادی شمرده شده است و به قرض توصیه و تاکید شده و این دو قابل جمع نیستند به این صورت که بر سیستم اقتصادی هم نظام ربوی حاکم باشد و هم نظام قرض‌الحسنه و میانشان نهایت تضاد و افتراق می‌باشد.

قرض در مفهوم لغت

«قرض» واژه‌ای است عربی که معادل فارسی آن «وام» است، این کلمه در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است.
قرض: نوعی است از بریدن، قطع مکان و گذشتن از آنرا قطع مکان و قرض مکان گویند. (مفردات راغب). «وَ إِذا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذاتَ الشِّمالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ» (۱) چون آفتاب غروب می‌کرد از آن‌ها به طرف شمال متمایل می‌شد و آن‌ها در کهف در وسعت بودند. طبرسی فرموده: اصل آن بریدن با دندان است و وام را قرض گویند که شخص جزئی از مال خود را قطع کرده به دیگری می‌دهد به نیت اینکه خود مال یا بدل آنرا بعداً بدهند.
اقراض به معنی قرض دادن است: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ...» (۲) مادهٔ اقراض در قرآن همه جا در بارهٔ قرض دادن به خدا آمده و همه با وصف «حَسَناً» مقیّد شده است انفاق در راه خدا قرض دادن به خدا خوانده شده که آن از طرف خدا برگردانده خواهد شد و اشاره به حتمی بودن مزد آن است.
قید «حسن» ظاهراً مفید آن است که انفاق از مال پاک و با نیّت پاک و با قصد قربت باشد و بعداً پشیمان نگردد و با منّت و اذیّت بعدی توأم نباشد به نظرم جملهٔ «لا يُتْبِعُونَ ما أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لا أَذىً– ... يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ تَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۳) بیان «حسن» است.
می¬شود گفت همهٔ اعمال نیک اعمّ از بدنی و مالی قرض‌الحسنه‌اند که آن‌ها به خدا تحویل می¬شوند و خدا در مقابل پاداش خواهد داد آیهٔ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَقْرِضُوا اللّهَ قَرْضاً حَسَناً وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ ... (۴) دلیل آن است و گر نه ایتاء زکوة داخل در قرض‌الحسنه می¬باشد.
در قرآن مجید قرض به معنی «وام» متداول بکار نرفته بلکه همه در عمل نیک و یک جا در معنی تجاوز استعمال شده که در اول ذکر شد. (۵)

قرض در اصطلاح حقوقی

در قانون مدنی ایران ماده‌ی ۶۴۸ ضمن استعمال واژه‌ی قرض از آن چنین تعریف شده است:
«قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور، مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد». (۶) در این ماده قانون هم به قرض و هم قیمی و هم قرض با کالا و هم با نقد و پول اشاره شده است.
تاریخچه قرض‌الحسنه
«قرض‌الحسنه» جزئی از ارکان نظام اقتصادی اسلام است و در مقابل آن رباخواری قرار دارد. در دوران جاهلیت قرض در میان مردم متداول بوده است.

ولی فردی که به دیگری قرض می‌داد، معمولاً از بـدهکار بیش از آنچه به او داده بود طلب می‌نمود و یا این که از او هـدیه‌ای گرفته و یا بدهکار را برده و بندهٔ خود دانسته و یا بر او منّت می‌نهاد. در این شـرایط اسـلام با آوردن واژهٔ «حَسَـنه» آن سیسـتم غلط را که ارمغانی برای جامعه جز افزایش سود و سـرمایهٔ رباخواران و بدبختی سایر اقشار جامعه به همراه نداشت ردّ نمود و با تشویق مردم به دادن وام بـدون بهره روح عطوفت و برادری و عدل را در مسـلمانان زنده نمود. باید توجه داشت که در اقتصاد اسلامی که هدف آن اجرای عدالت اجتماعی است باید همهٔ فرمول‌ها و داروهایی که برای شفای جامعهٔ اسلامی تجویز شده به کار گرفته شود تا نتیجـهٔ مورد نظر بـدست آیـد. در نتیجه «قرض‌الحسـنه» هنگامی می‌تواند کار آیی کامل و نتیجهٔ عالی داشـته باشـد که دیگر اصول اقتصـادی اسـلام چون تولیـد، کار، ایثار، تعاون و همیاری و پرداخت واجبات مالی چون زکات و خمس نیز در کنار آن قرار گیرد. (۷)

در تاریـخ اسـلام، رسول اکرم صـلی الله علیه و آله بنیان گذار اولین صـندوق امانت بودند، ایشان از زمانی که در مکه زندگی می‌کردنـد مورد اعتماد و امانت مردم بودند و امانت مردم را برای آن‌ها نگه داری می‌کردند و از این جهت «محمد امین» لقب یافته بودند و آن گاه که به دسـتور خداوند عازم مدینه شدند، چون خود فرصت رساندن امانت‌های مردم را نداشـتند، حضرت علی علیه‌السلام را مأمور برگرداندن امانت‌های مردم کردند. (۸)

در کشور ایران، اوّلین صندوق قرض‌الحسنه به صورت امروزی آن، در سال ۱۳۴۸ شمسی در مسجد قدیمی لرزاده تهران به نام «صـندوق قرض‌الحسنه ذخیره جاوید» تأسیس شد و به تدریج صندوق‌های دیگری در نقاط مختلف کشور به ویژه در شهرهای مـذهبی به‌وجود آمد. به طوری که تا پایان سال ۱۳۶۵ شمسـی، تعداد کلّ صندوق‌های قرض‌الحسنه موجود در کشور به حدود ۲۲۰۰ واحد بالغ می‌شد. (۹)

قرض در قرآن کریم

در قران کریم، قرض در ردیف مسائلی چون صـدقه، انفاق، زکات و نماز آمد، و این حاکی از اهمیت آن است. همان‌طور که نمـاز بـا تعالی روح و رشـد عبودیت، موجب ارتباط با مبـدأ هستی است و به جا آوردن آن موجب دوری از مفاسـد اخلاقی و اجتماعی می‌گردد، قرض و صـدقه و انفاق و زکات هم موجب تقرب به خداوند عالم می‌شود. در سوره توبه آیه ۱۰۳ خداوند می‌فرماید: ای پیامبر! از مؤمنان زکات بستان که مال و جان آنان پاک گردد. همچنین صدقه و زکات و انفاق، چه واجب و چه مسـتحب؛ تعالی بخش روح و اوج ارتباط انسان با خداونـد است و علاوه بر این در جامعه تعدیل ثروت و توازن اجتماعی را به بار می‌آورد. (۱۰)

اگر روزی بشر به مرحله‌ای از رفاه اقتصادی برسد، باز هم برای این منظور قرض و صدقات و خمش و زکات لازم است.

بحث از قرض در قرآن در ۵ سوره آمـده است: بقره، مائـده، تغابن، مزمل و حدید؛ و در مجموع در دوازده آیه بحث از قرض شده و در همه موارد «قرضاً حسناً» آمده است.

تفسیر آیه قرض‌الحسنه

این آیه با لحنی بسیار زیبا و احساس برانگیزی مردم را به کمک کردن به یکـدیگر دعوت می‌کند و به آنان تذکر می‌دهد که وقتی کسـی از مال خود انفاق می‌کنـد و مال خود را در اختیار نیازمنـدان می‌گذارد، به منزله‌ی این است که به خدا قرض داده باشـد، روشن است که خـدا نیـازی به قرض نـدارد و او بی نیاز مطلق است ولی با این تعبیر بنـدگان خود را به کمک کردن به یکـدیگر تشویق می‌کنـد و می‌خواهـد آن‌ها بداننـد که این کار نیک آن‌ها بدون پاداش نیست و همان‌گونه که وقتی کسـی به

کسی قرض بدهد، بدهکار در موقع خود بدهی را خواهد پرداخت در اینجا نیز خداوند خود را بدهکار چنین افرادی فرض می‌کند آن هم به این صورت که موقع پرداخت بدهی، آن را چندین برابر خواهد داد و کسی که به دیگران احسان می‌کند پاداش عمل خود را چند برابر مقابل آن خواهد یافت. در پایان آیه یک مطلب مهم را بیان می‌کند و می‌فرماید: این خداست که روزی کسی را می‌بندد و یا می‌گشاید. البته می‌دانیم آن خود از روی ضوابط و معیارهایی است که بعضی از آن‌ها را می‌دانیم و از جمله‌ی آن‌هاست کار کردن و تلاش برای کسی درآمد بیشتر که در غالب وارد باعث فراوانی روزی می‌شود. تنبلی و سستی و کم کاری باعث تنگدستی می‌شود ولی جز این‌ها ضابطه‌ها و معیارها و عوامل دیگر هم وجود دارد که ما از آن‌ها بی خبریم ولی به هر حال تنگی و گشادی روزی در دست خداست و همه به سوی او بر می‌گردند. (۱۱)

پاداش قرض

دو آیه از آیات قرض در سوره حدید

آیه ۱۱: «من ذاالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له و له اجر کریم».

کیست آن کس که به صورتی نیکو به خداوند قرض (وام) بدهد، تا آن را برای او دو چندان کند و مزدی نیکو (کریمانه) بهره¬ی او شود.

شرایط انفاق و قرض در راه خدا

در آیه یازدهم تعبیر از همه حساس‌تر است : خدا را وام گیرنده، و انسان‌ها را وام دهنده می‌شمرد، وامی که مسئله تحریم ربا در آن راه ندارد و چندین برابر تا هزاران برابر در مقابل آن پرداخته می‌شود، اضافه بر پاداش عظیمی که در هیچ اندیشه‌ای نمی‌گنجد!

این‌ها همه برای این است که بینش‌های انحرافی و انگیزه‌های حرص و آز و حسد و خودخواهی و طول امل را که مانع از انفاق است از میان ببرد، و جامعه‌ای بر اساس پیوندهای عاطفی و روح اجتماعی و تعاون عمیق بسازد.

تعبیر به (قرضا حسنا) در آیه فوق اشاره‌ای به این حقیقت است که وام دادن خود انواع و اقسامی دارد که بعضی را (وام نیکو) و بعضی را وام کم ارزش و یا حتی بی ارزش می‌توان شمرد.

قرآن مجید شرائط وام نیکو را در برابر خداوند یا به تعبیر دیگر (انفاق ارزشمند) را در آیات مختلف بیان کرده است، و بعضی از مفسران از جمع آوری آن ده شرط استفاده کرده‌اند.

۱ - از بهترین قسمت مال انتخاب شود نه از اموال کم ارزش یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون و لستم باخذیه الا ان تغمضوا فیه و اعلموا ان الله غنی حمید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، یا از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم انفاق کنید، و به سراغ قسمت‌های ناپاک برای انفاق نروید در حالی که خودتان حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید مگر از روی اغماض، و بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است)(۱۲)

۲ - از اموالی که مورد نیاز انسان است باشد، چنانکه می‌فرماید و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصهٔ : (آن‌ها دیگران را بر خود مقدم می‌دارند هر چند شخصاً شدیداً نیازمند باشند). (۱۳)

۳ - به کسانی انفاق کند که سخت به آن نیازمندند و اولویت‌ها را در نظر گیرد للفقراء الذین احصروا فی سبیل الله : (انفاق شما) مخصوصاً برای نیازمندانی باشد که در راه خدا در محاصره قرار گرفته‌اند. (۱۴)

۴ – انفاق اگر مکتوم باشد بهتر است : و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم : (هرگاه آن‌ها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است) (۱۵)
۵ – هرگز منت و آزاری با آن همراه نباشد یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی : (ای کسانی که ایمان آورده‌اید انفاق‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید) (۱۶)
۶ – انفاق باید توام با اخلاص و خلوص نیت باشد ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله : (کسانی که اموالشان را برای جلب خشنودی خداوند انفاق می‌کنند) (۱۷)
۷ – آنچه را انفاق می‌کند کوچک و کم اهمیت بشمرد هر چند ظاهراً بزرگ باشد: و لا تمنن تستکثر: (به هنگام انفاق منت مگذار و آن‌را بزرگ مشمر) (۱۸)
۸ – از اموالی باشد که به آن دل بسته است و مورد علاقه او است لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون : (هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید) (۱۹)
۹ – هرگز خود را مالک حقیقی تصور نکند، بلکه خود را واسطه‌ای میان خالق و خلق بداند: و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیه : (انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است) (۲۰)
۱۰ – و قبل از هر چیز باید انفاق از اموال حلال باشد، چرا که خداوند فقط آن‌را می‌پذیرد: انما یتقبل الله من المتقین (خداوند تنها از پرهیزگاران قبول می‌کند) (۲۱)
و در حدیث آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: لا یقبل الله صدقه من غلول (خداوند هیچ‌گاه انفاقی را که از طریق خیانت است نمی‌پذیرد).
آنچه گفته شد در واقع قسمت مهمی از اوصاف و شرائط لازم است، ولی منحصر به این‌ها نیست، و با دقت و تأمل در آیات و روایات اسلامی به شرایط دیگری نیز می‌توان دست یافت.
ضمناً آنچه گفته شد بعضی از شرائط (واجب) محسوب می‌شود (مانند عدم منت و آزار و تظاهر) و بعضی از شرائط کمال است (مانند ایثار به نفس در موقع حاجت خویشتن) که عدم وجود آن ارزش انفاق را از میان نمی‌برد هر چند در سطح اعلا قرار ندارد.
و نیز آنچه گفته شد گرچه در مورد انفاق (وام به خداوند) بود، ولی بسیاری از آن‌ها در مورد وام‌های معمولی نیز صادق است، و به اصطلاح از شرائط لازم، یا شرط کمال (قرض‌الحسنه) می‌باشد. (۲۲)
صدقه و قرض اختصاص به مردان ندارد
آیه ۱۸: «ان المصدقین و المصدقات و اقرضوا قرضاً حسناً یضاعف له و لهم اجر کریم».
خداوند به مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده‌ای که به خدا قرض‌الحسنه می‌دهند، نام برده شده که بیانگر تساوی مرد و زن در اجر اخروی این امر معنوی اجتماعی است.
این دو آیه از سوره حدید را که مورد توجه قرار دادیم. آیه‌ی قبل و آیه ۱۲ که مربوط به انفاق است، بیانگر اصلی کلی در سیستم اقتصادی است؛ یعنی اگر در جامعه‌ای به این سه موضوع (انفاق، صدقه و قرض) عمل شود، فاصله‌ی اقتصادی بین ثروتمندان و فقرا خصوصاً در معرف تا حدودی از بین می‌رود و تعادل و توازن اجتماعی به وجود می‌آید و جامعه از طهارت معنوی برخوردار می‌شود. بدیهی است که این سه موضوع نیز قابل جمع است، چون هر کسی – چه زن باشد چه مرد– هم می‌تواند انفاق کند، هم صدقه و هم قرض و زکات بدهد. چه خوب است، همان‌طور که صندوق‌هایی تحت عنوان

قرض‌الحسنه برای قرض تاسیس شده می‌شود، برای صدقه و انفاق هم صندوق‌هایی تاسیس گردد تا به صورت رسمی به این مهم همت گمارده شود.

وَ قالَ اللَّهُ إِنِّی مَعَکُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّکاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِی وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُکَفِّرَنَّ عَنْکُمْ سَيِّئاتِکُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبيلِ (۲۳)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت؛ و از آنها، دوازده نقیب[سرپرست] برانگیختیم؛ و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض‌الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم[می‌بخشم]؛ و شما را در باغ‌هایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَکُمْ وَ يَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ شَکُورٌ حَليمٌ. (۲۴)

اگر به خدا قرض¬الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می‌بخشد؛ و خداوند شکر کننده و بردبار است!

مقصود از قرض دادن به خداوند

دو احتمال در این باره متصور است:

۱-خداوند خود را به جای محتاج و فقیر قرار داده و کسی که به نیازمندی قرض دهد، مثل این است که به خدا قرض داده است. البته خداوند می‌تواند فقیر را غنی کند، ولی همه‌ی امور طبق مشیت خداوند، واسطه و وسیله می‌خواهد و در اینجا اغنیاء را وسیله قرار داده تا آنان را بیازماید و موجبات کمال معنوی آنان را فراهم آورد.

۲-منظور از قرض دادن به خداوند قرض دادن به پیامبر و امام معصوم و پیشوایان مسلمانان است. به این بیان که مال خداوند به مصداق آیه‌ی خمس «فان لله خمسه و لله الرسول و لذی القربی؛ خمس مال خدا و رسول و ذی القرباست» از آن رسول می‌باشد و در اینجا هم قرض به خدا قرض به خلیفه‌ی خداوند است که پیامبر است و بعد از آن حضرت، امام معصوم و در زمان غیبت نائب امام.

روایت معروف که قرض حسن یعنی صله به امام است آورده شود.

ثواب قرض دادن چند برابر است؟

در روایات آمده است که ثواب قرض دادن ۱۸ برابر است، اما اگر قرض را یکی از مصادیق انفاق بدانیم ثواب آن به هفتصد برابر و حتی بیشتر از آن می‌رسد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فی کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ».

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یک‌صد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.

محسنین یعنی قرض‌الحسنه

إِنَّا نَرَاکَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۲۵) ما تو را از نیکوکاران قرار دادیم.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای کسی که وارد مجلس می‌شد جای می‌داد و برای محتاج وام تهیه می‌کرد و از ضعفا طرفداری می‌نمود. (۲۶)

قرض‌الحسنه معروف است:

خداوند در قرآن می‌فرماید:

لا خَيْرَ فی كَثیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلاَّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...(۲۷)

در بسیاری از سخنانِ درِگوشی (و جلسات محرمانه) آن‌ها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله)، امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند.

در این آیه سه موضوع در کنار هم آمده است: صدقه، معروف و اصلاح میان مردم.

از امام صادق علیه‌السلام سئوال شد که مقصود از معروف در این آیه چیست؟ حضرت فرمودند: منظور قرض‌الحسنه است. (۲۸)

بنابراین قرض‌الحسنه خود مصداقی از معروف در لغت؛ یعنی، آنچه شناخته شده باشد و در مقابلش، آن چیزی است که شناخته نشده باشد. به بیان دیگر معروف، آن چیزی است که عقل و شرع به خوب بودن آن قضاوت کنند و چون قرض‌الحسنه موضوعی است که عقل آن را تحسین می‌کند لذا «معروف» نامیده شده است.

افزون بر آیه‌ی فوق، حدیثی از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که آن حضرت می‌فرماید: «انما حرم الله عزوجل الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» (۲۹) خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از عمل به «معروف» محروم نشوند.

و در پایان به فلسفه¬ی ربا از لسان امام رضا علیه¬السلام اشاره می نماییم.

با توجه به اینکه آنچه در مقابل ربا قرار دارد قرض‌الحسنه است، در این حدیث از قرض به عنوان معروف نام برده شده است.

قرض‌الحسنه بر (نیکی) است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ» (۳۰)

ترجمه: در نیکوکاری و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

بِر شامل همه نیکی‌هایی است که عقل و شرع آن را تایید می‌کند. اثم هم شامل همه‌ی بدی‌هایی است که عقل و شرع، آن را ناپسند می شمارد.

قرض‌الحسنه مصداقی از بر و ربا هم که در مقابل قرض‌الحسنه است، مصداق اثم است و در قرآن هم از رباخواران به نام «کفار اثیم» یاد شده است.

بنابراین قرض‌الحسنه مصداقی از بر است که در قرآن به آن دستور می‌دهد و ربا مصداقی از اثم است که خداوند از آن نهی می‌کند. (۳۱)

نسبت بین عنوان بِرّ و قرض‌الحسنه در قرآن، از لحاظ منطقی «عموم و خصوص مطلق» است، زیرا هر قرض‌الحسنه ای بِرّ است؛ اما هر بِرّی قرض‌الحسنه نیست.

قرض‌الحسنه در سنت (در کلام اهل بیت علیهم السلام)

مؤمن خود را مقروض نمی‌کند

قرض خواستن بـدون نیـاز و اضـطرار خلاف منش و شخصـیت انسانی است و در روایات اسـلامی قرض بـدون حاجت مکروه دانسـته شده است و اساساً هر فرد مؤمنی باید بکوشد تا خود را مقروض نکند، چه اینکه فردی که مقروض می‌شود، خود را در مقبل طلبکار کوچک می‌بینـد و احساس سـرافکندگی می کنـد و این، دور از کرامت ذاتی انسان است که خداوند به او داده و انسـان را گرامی داشـته اسـت، مضافاً اینکه فرد مقروض، آسـایش روحی و تمرکز فکر خـود را از دست می‌دهـد و چه بسـا از انجام کارهای مثبت و مفید که نیازمند آرامش روحی است، باز ماند.

در قرآن مجیـد و احـادیث متعـددی که در دست داریم برای ادای قرض، ثواب زیـادی بیـان شـده، امـا از سوی دیگر، دریافت قرض، خـاصه بـدون نیاز مورد مـذمت قرار گرفته است. از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله روایت شـده است که آن حضـرت می‌فرماید: «ایاکم و الدَّین فانه شین الدین» (۳۲)

بپرهیزید از مدیون شدن که آن موجب خواری دین می‌شود. همچنین از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام روایت شده است: «ایاکم و الـدین فـانه مـذله بالنهار و مهمه باللیل؛ (۳۳) بپرهیزیـد از اینکه خـود را مـدیون سازیـد که آن مـوجب ذلت روز و غم شـب است.».

نتیجه طبیعی قرض گرفتن است بنابراین تا انسان تا ناچار نباشد بهتر است که قرض نگیرد.

ثواب قرض دادن

امام صادق علیه‌السـلام نقل می‌نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که به مؤمنی قرض دهد و منتظر بماند تـا پرداخت قرض برای او امکـان پـذیر شود، مـال او پـاکیزه می‌مانـد و تـا زمـانی که قرض را برگردانـد، فرشـتگان بر او درود می‌فرستند» (۳۴)

امام صادق علیه‌السـلام فرمودنـد: هیـچ مسـلمانی به خاطر خدا به مسـلمان دیگر قرض نمی‌دهد، مگر اینکه زمانی که مالش باز گردد، خداوند پاداش او را همانند پاداش صدقه حساب می‌نماید. (۳۵)

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ثواب قرض هجده برابر است و اگر بمیرد آن مال جزء زکات حساب خواهد شد.

راوی گویـد: شـنیدم که امام صادق علیه‌السـلام فرمودنـد: بیشتر دوست دارم قرض بـدهم از اینکه هماننـد آن را ببخشم؛ و نیز فرمودند: کسـی که قرض مدت دار بدهد و سر وقت قرض پرداخت نشود، هر روزی که از آن وقت می گذرد، ثوابی همچون ثواب یک دینار صدقه در هر روزی برای او خواهد بود. (۳۶)

امام صادق علیه‌السـلام نقل می‌نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بیشتر دوست دارم هزار درهم را دو بار قرض دهم تا اینکه یک بار صـدقه بـدهم و همان‌طور که حلال نیست بدهکارت با قرض توانایی، پرداخت مالت را به تأخیر بیندازد، اگر می‌دانی توانایی ندارد، جایز نیست او را در فشار قرض دهی. (۳۷)

قرض‌الحسنه و صدقه

عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله قال: کل قرض صدقه.

عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر قرضی پیش خدا، صدقه محسوب می‌شود. (۳۸)

قرض سنت جاودان

فی خبر طویل عن الصادق علیه‌السلام: «اما الوجوه الاربعه (التی یلزمه فیها التفقه من وجوه اصطناع المعروف) فقضاء الدین، و العاریه، و القرض و اقراءُ الضیف واجبات فی السنه» (۳۹)

امام صادق علیه‌السلام در روایتی طولانی و مفصل فرمود: اما انواع چهارگانه خبر عبارتند از:

۱-پرداخت بدهی؛ ۲- عاریه دادن؛ ۳- قرض دادن؛ ۴- مهمانی دادن؛

که این‌ها در سنت واجب است.

حکم قرض دادن و گرفتن

در روایات معتبره برای وام گرفتن ثواب‌های بسیار وعده داده شده، چنانچه در ترک آن هم عذاب‌های شدید ذکر گردیده و در بعضی موارد وام دادن واجب و ترک آن حرام و در پاره‌ای موارد قرض دادن مستحب و ترک آن مکروه است. ولی قرض گرفتن مکروه است در صورتی که احتیاج به گرفتن قرض نداشته باشد؛ و هرگاه محتاج به گرفتن فرض شود کراهت آن خفیف می‌شود و شدت و کمی کراهت تابع شدت و کمی احتیاج است. پس هر اندازه احتیاج کمتر باشد، کراهت قرض خواستن بیشتر می‌شود و هر اندازه احتیاج به قرض بیشتر شود، کراهت آن کمتر می‌گردد تا جایی که هیچ کراهت ندارد بلکه گاهی واجب می‌شود قرض بگیرند به اینکه امر واجبی مثل حفظ جان یا عرض بسته به وام گرفتن باشد.

کسی که زمینه‌ی ادای دین ندارد، احتیاط آن است که قرض نگیرد و خود را مدیون نسازد مگر در صورت ضرورت.

ثواب وام دادن و عقاب ترک آن

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که به مؤمنی وام دهد و او را تا هنگام توانائی‌اش مهلت دهد، برای مالی که به وام داده، ثواب زکات برایش خواهد بود و ملائکه برایش دعا و طلب رحمت می‌نمایند تا هنگامی که طلب خود را دریافت نماید. (۴۰)

و نیز فرمود: کسی که وام دهد به برادر مسلمان خود، از برای او است به هر درهمی که به قرض داده، هم وزن کوه احد از کوه‌های مکه معظمه و طور سینا، حسنات و اگر در مطالبه نمودن طلب خود از بدهکار، با او رفق و مدارا نماید، مانند برق جهنده روشن از صراط بگذرد بدون عذاب و معطلی حساب و کسی که برادر مسلمانش حال خودش را نزد او شکایت کند، پس به او وام ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌فرماید در روزی که به نیکوکاران پاداش می‌دهد. (۴۱)

چاره‌ای از پرداخت بدهی نیست

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که مسامحه کند و از رساندن حق به صاحبش درنگ نماید در حالی که توانایی دارد، هر روزی که می‌گذرد گناه عشاری بر او است. (عشار کسی است که به امر ظالم از مردم ده یک می‌گیرد). (۴۲)

حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که در راه خدا شهید شد از هر گناهی پاک می‌شود مگر بدهی که کفاره ندارد، یا باید دینش پرداخت شود یا طلبکار ببخشد وگرنه شهید هم گرفتار بدهی‌اش هست. (۴۳)

و نیز می‌فرماید: نخستین قطره خونی که از شهید ریخته می‌شود، تلافی تمام گناهانش می‌شود مگر بدهی که علاجش منحصر

به پرداختن می‌باشد. (۴۴)
و برای اهمیت مطلب همین بس که مردی از انصار مُرد و دو دینار بـدهکار بود، پس رسول خدا صـلی الله علیه و آله بر او نماز نخواند تا اینکه بعضی از بستگانش ضامن شدند که بدهی او را بپردازند، آنگاه حضرت بر او نماز گذارد. (۴۵)
مروی است که معاویه بن وهب، این حدیث را بر حضرت صادق علیه‌السلام عرضه داشت فرمود: درست است و جز این نیست که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله چنین فرمود، برای آنکه مسـلمانان انـدرز بگیرنـد و اهمیت دین را بدانند و آن را کوچک نشـمرده و به صاحبش رد کنند و گر نه هر یک از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه‌السـلام و حضـرت امام حسن و امام حسـین علیهماالسـلام زمانی که از دنیا رفتنـد، مـدیون بوده و به ادای دین خود وصـیت فرمودند و پس از فوت هر یک وصی او دینش را اداء کرد. (۴۶)
و خلاـصه معنی حـدیث آن است مـدیون بودن مـذموم نیست و جـایز است. چیزی که حرام است مسامحه کردن در ادای دین می‌باشد.
مؤمن خیانت نمی‌کند.
خیانت ماننـد دزدی صورت‌های متفاوتی دارد. یک مورد آن این خواهـد بود که فردی از دیگری پولی قرض کند، ولی آن را به موقع نپردازد و بدهی خود را در بوته‌ی فراموشی اندازد.
ابوثمـامه به امـام جواد علیه¬السـلام عرض کرد: می‌خواهم مجـاور مکه و مـدینه منوره بگردم در حال که بـدهکارم. حضـرت فرمود: به محل خود برگردد تا بدهیت را بپردازی و مبادا از دنیا بروی و خدای را ملاقات کنی در حالی که بدهکار باشـی زیرا مؤمن خیانت نمی‌کنـد. (۴۷) و اگر بتـوانی بـدهی‌ات را پرداخت کنی و نـپردازی و به زیـارت بروی، یـک نوع خیـانت است و مؤمن خیانت نمی‌کند... (فان المؤمن لا یخون) (۴۸)
نپرداختن بدهی، خیانت و ظلم به همه است
از ایـن حـدیث شـریف معلـوم می‌شـود کـه حبس حقـوق و مسـامحه در ادای دین، خیـانت است؛ و در حـدیث نبـوی آن را از مصادیق ظلم شـمرده و می‌فرماید: مسامحه کردن مسلمانی که بر پرداخت بدهی‌اش توانایی دارد ظلمی است نسبت به مسلمین) (۴۹)
ظلم بـودنش نسـبت به شـخص طلبکـار ظـاهر است، ولی نسـبت به سـایر مسـلمانان شایـد از این جهت باشـد که سـبب می‌شود دیگران به مسلمانان قرض ندهند، از ترس اینکه مبادا مثل این شخص در پرداخت بدهی سهل انگاری کنند یا مالش تلف شود و به تعبیر دیگر مسامحه کردنـد در پرداخت دین با توانایی، باب خیر و معروف را سـد می‌کنـد که از این به بعـد کسـی جرات نکند به دیگری قرض بدهد. در حالی که از بزرگ‌ترین خیرات است و سبب جلوگیریش همین شخص شده است.
حضـرت امام صادق علیه‌السـلام می‌فرمایـد: «خـدا لعنت کنـد بُرنـدگان راه خیر را؛ و آن کسـی است که دیگری به او احسانی بکند و خیری برساند، پس او کفرانش کند و این امر سبب شود که آن شخص دیگر به کسی احسان ننماید» (۵۰)
و ظـاهر است که قرض دادن احسان است و مسامحه کردن در پرداخت آن کفران و سـبب می‌شود که دیگر آن شـخص چنین احسانی به کسی نکند.

باید قصد پرداختن داشته باشد

در دنیـای امروز دزدی به صـورت‌هـای مختلف انجـام می‌گیرد: عـده‌ای سـر گردنه دزدی می‌کننـد، شایـد بتوان گفت که این

دزدی، شجاعانه است. عـده‌ای نیز پشت میز اداره با کم کاری و کار شـکنی دزدی می‌کنند که می‌توان گفت: این نوع دزدی رذیلت¬هاست. همچنین عده‌ای قرض می‌گیرند، به شرط آنکه به موقع آن را بپردازند، ولی اهمیتی به پرداخت آن نمی‌دهند. این دزدی نیز خائنانه است.

امام صادق علیه‌السـلام فرموده‌اند: «من اسـتدان دینا فلم ینو قضاءه کان بمنزله السارق؛ کسـی که قرض کند و قصدش این باشد که آن را نپردازد، همچون دزد خواهد بود» (۵۱)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:

«ایما رجل اتی رجلاً فاستقرض منه مالاً و فی نیته ان لا یودیه فـذلک اللص العادی؛ اگر شخصـی از دیگری مالی قرض کنـد و نیت و قلبش این باشد که آن را نپردازد، یک نوع دزدی آشکار است». (۵۲)

بدهکاری که از پرداخت بدهی ناتوان است باید در قصدش باشد که در نخستین زمانی که توانایی پرداخت پیدا کرد، مسامحه نکند بلکه چنین نیتی را باید از همان ابتدا داشـته باشد که اگر هنگام قرض گرفتن بخواهد ادای دین نکند تصـرف کردنش در آن مال، از همان اول حرام است.

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که قرض بگیرد و بخواهد که ندهد، دزدی است ستمگر. (۵۳)

و نیز می‌فرماید: دزدها سه دسـته‌اند: کسـی که زکات مالش را ندهد، و کسـی که مهریه‌ی زنش را بدهی واجب الاداء نداند و کسی که قرض بگیرد در بخواهد که نپردازد. (۵۴)

و نیز می‌فرمایـد: بـدهکار هر گاه همش این باشـد که بـدهی‌اش را بدهـد، خداوند دو ملک را کمک و یار او می کند تا دینش پرداخت شود و چنانچه قصدش سست شود، پس به همان مقدار از کمک و یاری خدا محروم است. (۵۵)

باید بدهکار عاجز را مهلت داد

در صورتی که بدهکار نمی‌تواند بدهی خود را حتی با فروش زائد بر مایحتاج، ادا کند بر طلبکار واجب است او را مهلت دهد تا وقتی که بتواند بپردازد و مطالبه کردن و بدهکار را در مشقت و سختی انداختن حرام است.

چنانچه در قرآن مجیـد می‌فرمایـد: «اگر تنگدستی پیدا شود پس (وظیفه) مهلت دادنی است تا هنگام گشادگی و فراض (یعنی اگر بدهکاری نتوانست وام خود را که هنگام پرداختش رسیده بپردازد، او را مهلت دهید تا توانایی پیدا کند) و اگر از بدهکار تنگدست صرف‌نظر کنید و مبلغی را که از او طلبکارید ببخشید، برای شما بهتر است اگر بدانید. (۵۶)

زیرا اگر طلب خود را بگیریـد مثـل سـایر اموال از بین می‌رود، ولی اگر به او ببخشـید، صـدقه‌ای است که نزد خداونـد بامـانت است و از آن برای همیشه بهره می‌برید»

از این آیه شـریفه دو چیز اسـتفاده می‌شـود: یکی وجوب مهلت به بـدهکاری که از پرداخت بـدهکاری که از پرداخت بـدهی عاجز است و دیگری نیکویی بخشش و صرف‌نظر کردن از طلب و در روایات کثیره به هر دو موضوع است اشاره شده است.

پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله می¬فرمایـد: برای بـدهکارت حلال نیست که در حال توانایی، در پرداخت بـدهی، مسامحه کند، همچنین بر تو هم حلال نیست او را در تنگدستی به زحمت بیندازی، وقتی بدانی از پرداخت وام ناتوان است. (۵۷)

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: بپرهیزید از اینکه تنگ بگیرید بر یکی از برادران مسلمان خود، وقتی که از پرداخت بدهی خود ناتوان است، به سبب طلبی که از او دارید. زیرا پدر و مادر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: جایز نیست که هیچ مسلمانی بر مسلمانی تنگ بگیرد و کسی که مسلمانی را مهلت بدهد، خدای تعالی و را در سایه‌ی خود جای می‌دهد، روزی که جز سایه‌ی خدا سایه‌ای نباشد (یعنی در پناه رحمت و لطف خود روز قیامت او را جای می‌دهد. (۵۸)

و نیز فرمود: کسی که بخواهد خدا زیر سایه‌ی عرش خود جایش دهد، در روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نباشد، باید بدهکار تنگدست را مهلت بدهد و از او مطالبه نکند یا اینکه طلبش را به او ببخشد. (۵۹)
حضرت باقر علیه‌السلام می‌فرماید: روز قیامت جماعتی زیر سایه عرش خدا جای می‌گیرند، در حالی که صورت‌هایشان از نور و لباسشان از نور و بر کرسی‌هایی از نور قرار دارند. پس منادی ندا می‌کند که این‌ها کسانی‌اند که در دنیا بر مؤمنین آسان می‌گرفتند و بدهکار تنگدست را مهلت می‌دادند، تا وقتی که بتواند بدهی خود را بپردازد. (۶۰)
افرادی باید خود را مقروض نمایند که قدرت پرداخت به موقع آن را داشته باشند، با این وصف، اگر مقروض یا بدهکار تنگدست بود و یا در هنگامی توانایی پرداخت آن را نداست، باید طلبکار به او مهلت دهد و به او فشار نیاورد. امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:
«لیس المسلم ان یعسر مسلماً...» (۶۱)
مسلمان نباید مسلمان دیگر را به سختی بیندازد.
همچنین آن حضرت فرموده است: کسی که تنگدستی را مهلت بدهد، خداوند روز قیامت بر سر او سایه می‌افکند، آن روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی خداوند نیست؛ و در روایت دیگری فرموده است: همان طور که شخص بدهکار نباید طلبکار را معطل کند، باید سر وقت طلب او را بدهد، همان طور شخص طلبکار خوب است که بدهکار تنگدست را مهلت بدهد. (۶۲)
از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است : خداوند در روز قیامت عده‌ای را زیر سایه‌ی عرش قرار می‌دهد که صورت‌هایشان از نور و بر کرسی‌هایی از نور می‌نشینند. در آن حال منادی صدا می‌زند که این‌ها قومی هستند که بر مؤمنان آسان گرفتند و شخص تنگدست را مهلت دادند تا متمکن شود و آنگاه پول خود را وصول کردند. (۶۳)
همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:
«من اراد ان یظله الله فی ظل عرشه یوم لا ظل الا ظله فلینظر معسراً و لیدع له من حقه» (۶۴)
کسی که می¬خواهد در روزی که سایه¬ای جز سایه‌ی عرش خداوند نیست، زیر سایه‌ی او قرار گیرد، باید به بدهکار مهلت دهد تا به فراخی رسد و یا از حق خود بگذرد.
این احادیث درباره‌ی کسی است که واقعاً تنگدست باشد، آن هم در مقطعی از زمان. اما کسی که همیشه تنگدست است، باید قرضش از بیت‌المال ادا شود و اساساً نباید قرض بخواهد و اگر هم بدهکار شد، باید طلبکار به او مهلت بدهد؛ باشد که خداوند در روز قیامت به او عنایت کند. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:
«ما من مسلم اقرض مسلماً قرضاً حسناً یرید به وجه الله الا حسب له اجرها کحساب الصدقه حتی یرجع الیه؛ (۶۵) هر مسلمانی که به مسلمانی به نیت رضایت خداوند قرض‌الحسنه دهد، برای او تا زمانی که طلبش برگردد، ثواب صدقه می‌نویسند».
همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:
«من اقرض مومنا قرضاً ینظر به میسوره کان ماله فی زکاه و کانَّ هو فی صلاه من الملائکه حتی یودیه؛ (۶۶) کسی که مؤمنی را قرض بدهد و به او مهلت بدهد، مثل این است که مال خود را زکات و صدقه داده باشد و خود آن شخص مهلت دهنده، هم در حال نماز جماعت با ملائکه‌ها باشد، تا زمانی که طلب او برگردد.».
در حدیثی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «من اقرض اخاه المسلم کانَّ بدل درهم اقرضه وزن جبل احد من جبال رضوی و طور سیناء حسنات؛ (۶۷)
سپس آن حضرت فرمود: «و ان رفق به فی طلبه تعدی به علی الصراط کالبرق الخاطف اللامع بغیر حساب و لا عذاب؛ (۶۸)

بعد از آن نیز فرمود: «من شکا الیه اخوه مسلم فلم یقرضه حرم الله عزوجل علیه الجنه یوم یجزی المحسنین» (۶۹)
کسی که به بردار مسلمانش قرض بدهد، به هر درهمی، ثواب وزن کوهی از کوه‌های رضوی و طور سینا را دارد. اگر کسی با بدهکار خود مدارا کند و به او مهلت لازم را بدهد، او را از پل صراط همچون برق عبور می‌دهند و نه حسابی از او می‌خواهند و نه عذابی می‌بینند. اگر پولداری، برادر مسلمانش به او رو آورد و از او و قرض بخواهد و او ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و روزی که نیکوکاران پاداش می‌گیرند، او پاداشی دریافت نمی‌کند.

ثواب صدقه برای مهلت هر روز

کلینی از حضرت امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی بر منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبران فرمود: ای مردم باید که حاضران به آن‌هایی که نیستند برسانند؛ کسی که مهلت دهد مرد پریشانی را، بر خدا است که هر روز ثواب تصدق به آن مال را در نامه‌ی عملش بنویسد تا وقتی که مال خود را دریافت نماید. (۷۰)

یعنی هر روزی که به او مهلت می‌دهد مثل این است که آن مقدار طلب خود را گرفته و در راه خدا انفاق کرده است.
ضمناً باید دانست که از جمله موارد حبس حقوق ندادن خمس و زکات یا مسامحه کردن در پرداخت آن است و چون منع زکات از جمله گناهان کبیره‌ای است که بر آن نص خالص است، قریباً به طور استقلال ذکر می‌شود.
خداوند تلافی می‌فرماید
مستفاد از روایات این است که بدهکار اگر پیش از پرداخت بدهی بمیرد و پس از او مالش بدهیش را نپردازند و صاحب حق او را نبخشد، در صورتی که هیچ تقصیری در پرداختن بدهی نداشته قرض را برای امر حرامی هم نمی‌خواسته و در ادا هم مسامحه نکرده، بلکه قصدش این بوده که آن را بپردازد و مالی هم نداشته که به آن وصیت کند پس خداوند روز قیامت از فضل خود طلبکارش را راضی می‌فرماید.
چنانچه محمد بن بشر وشا به خدمت حضرت امام صادق علیه‌السلام آمد و استدعا کرد که با شهاب که از جمله اصحاب آن حضرت بود درباره‌ی طلبی که از او داشت سخن بفرماید و دستور دهد با او سازش کند، تا وقتی که موسم حج بگذرد، و طلبش هزار دینار بود. آن حضرت شهاب را طلبیدند و فرمودند که تو حال محمد بن بشر را می‌دانی که از دوستان ما است و می‌گوید تو هزار دینار از او طلب داری و آن مبلغ خرج بطن و فرج نشده، بلکه دینی از او نزد مردم مانده و نقصانی چند کرده و من می‌خواهم تو او را حلال کنی. بعد از آن فرمود: شاید تو گمان می‌کنی که در عوض طلبت، حسناتش را به تو خواهند داد.
شهاب گفت: ما پیش خود چنین می‌دانیم.
حضرت فرمود: خدای تعالی کریم‌تر و عادل‌تر است از اینکه بنده‌ای به او تقرب بجوید و در شب سرما برخیزد و روز گرما روزه بگیرد یا طواف خانه خدا به جا آورد و بعد از آن خدای تعالی حسناتش را بگیرد و به تو هد و لیکن فضل الهی بسیار است و از فضل خود به مؤمن عوض می‌دهد. شهاب گفت: من او را حلال کردم. (۷۱)

از حسنات به طلبکار می‌دهند

در صورتی که در پرداخت وام مقصر بوده به اینکه قرض را برای مصرف حرامی گرفته یا در پرداخت آن کوتاهی کرده با اینکه می‌توانسته و پس از مردنش از مالش ادا نشده و طلبکار هم نبخشیده است در قیامت معادل دین از حسناتش بر می‌دارند و به طلبکار می‌دهند و اگر حسناتی نداشته باشد یا کم بیاورد، از گناهان طلبکار بر او می‌افکنند. (۷۲)

حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید: روز قیامت صاحب قرض می‌آید و شکایت می‌کند اگر بدهکار حسنات دارد برای طلبکار از او می‌گیرند و اگر ندارد گناهانش را بر او می‌گذارند.

و در روایات زیادی تصریح شده کسی که حق‌الناس بر عهده‌اش باشد نجات نمی‌یابد مگر پس از راضی شدن صاحبان حق که یا به برداشتن حسنات یا گذاشتن گناهان یا به شفاعت اهل بیت علیهم السلام خداوند به او پاداش دهد. (۷۳)

معاوضه به چقدر می‌شود؟

چگونگی معاوضه به اینکه در مقابل حق چه مقدار حسنه واقع می‌شود، خداوند و رسولش بهتر می‌دانند و راهی برای دانستن ما نیست و لزومی هم ندارد.

بلی در بعضی از روایات به پاره‌ای از مراتب آن اشاره شده چنانچه می‌فرماید: در برابر هر درهمی، ششصد نماز از مدیون گرفته شده و به طلبکار داده می‌شود. (۷۴) و نیز در برابر هر یک ششم از درهم نقره (درهم ۱۸ نخود نقره است) هفتصد نماز قبول شده می‌گیرند و به صاحب حق می‌دهند. (۷۵)

به هر حال بدهکار از دنیا رفتن خیلی سخت است. باید هر کس بکوشد که پیش از مرگ بدهی نداشته باشد و چنانچه از هر راهی عاجز باشد، سخت به اهل‌بیت علیهم السلام متوسل شود تا خصمای او را راضی فرماید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: گناهی بزرگ‌تر (بعد از کبائری که خداوند از آن‌ها نهی فرموده) از این نیست که شخصی بمیرد و بر او وام‌هایی از مردم باشد و چیزی نداشته باشد که با آن بدهیش را بپردازد. (۷۶)

و روزی پس از نماز به اصحاب خود فرمود: فلان شخص که شهیده شده بیرون بهشت متوقف است و نمی‌تواند وارد شود، به واسطه‌ی سه درهمی که به فلان شخص یهودی بدهکار است. (۷۷)

شتاب کردن در ادای دین مستحب است

چنانچه حبس حقوق و نپرداختن قرض حرام و از گناهان کبیره است، ادای دین و شتاب کردن در پرداخت آن در صورت مطالبه و توانایی، از بهترین واجبات خدا است و بر آن ثواب‌های بسیاری وعده داده شده است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که طلبکاران خود را راضی کند بهشت بر او واجب می‌شود بدون معطلی حساب و در بهشت همنشین حضرت اسماعیل خواهد بود. (۷۸)

و نیز می‌فرماید: در بدهی که شخص به طلبکارانش رد می‌کند، برایش از هزار سال عبادت و هزار بنده آزاد کردن و هزار حج و عمره به جا آوردن بهتر است. (۷۹)

و نیز فرمود: کسی که درهمی به صاحبان حق برآورد کند، خداوند او را از آتش جهنم آزاد می‌فرماید و به هر دانقی (یک ششم درهم) که داده ثواب پیغمبری به او می‌دهد و به هر درهمی که داد شهری از در سرخ در بهشت به او مرحمت می‌فرماید. (۸۰)

و نیز می¬فرماید: رد کردن یک درهم به صاحب حق بهتر است از روزه داشتن در روز و به پا ایستادن به عبادت در شب و کسی که بدهیش را رد کند، ملکی از زیر عرض او را ندا می¬کند که ای بنده عملت را از سر گیر که خداوند گذشته‌های تو را آمرزید. (۸۱)

با زکات می‌توان بدهی مقروضان را ادا کرد

یکی از بودجه‌های حکومت اسلامی، زکات است و مسئولیت جمع آوری آن به عهده‌ی حکومت اسلامی است. یکی از مصارف زکات، پرداخت آن به «غارمین» است. «غارمین» (ورشکستگان) کسانی هستند که در زندگی مقروض شده‌اند و قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند؛ و حکومت اسلامی یا کسی که از جانب حکومت اسلامی نیابت دارد، موظف است با پرداخت زکات به بدهکاران، از آنان دستگیری کند.

از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت شده است:

اگر کسی که با سعی و کوشش، از راه حلال روزی به دست می‌آورد و خود و خانواده‌اش را اداره می‌نماید، تنگدست گردد، با توجه به اینکه برای تأمین معاش خود سعی و کوشش کرده است، بر خدا و رسول است که خرجی او را بدهند و اگر در گذشت، بر پیشوای مسلمین است که بدهی او را تأمین کند و اگر پیشوای مسلمین این وظیفه را انجام ندهد، گناهکار خواهد بود، زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: زکات برای مصرف فقرا بر مساکین و بدهکاران است. (۸۲)

همچنین از امام رضا علیه‌السلام سئوال شد که تا چه مدت باید به بدهکار مهلت داد؟ آن حضرت فرمود: تا روزی که خبر بدهکاری او به پیشوای مسلمانان برسد و او متوجه شود که این شخص بدهکار است و باید از سهم غارمین بدهی او را بپردازند. (۸۳)

از این حدیث و امثال آن به خوبی استفاده می‌شود که باید قرض بدهکاران بی علاج و درمانده از زکات پرداخت گردد و این کار هم به عهده‌ی نظام اسلامی است. همچنین از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: باید پیشوای مسلمان بدهی مؤمنان را به استثنای مهریه‌ی زنانشان بپردازد.

قرض‌الحسنه در سیره امام رضا علیه‌السلام

۱–قرض‌الحسنه و آخرت

قال الرضا علیه‌السلام: «و إذا مات رجل و له دین علی رجل فإن أخذه وارثه منه فهو له و إن لم یعطه فهو للمیت فی الآخره؛ وقتی طلبکار از دنیا برود، چنانچه وارث طلب را بگیرد، مال اوست و اگر داده نشود در آخرت به مرده و صاحب مالی مال تعلق می گیرد.»(۸۴)

وام گیرنده‌ی دزد

«و اعلم أنه من استدان دینا و نوی قضاءه فهو فی أمان الله حتی یقضیه فإن لم ینو قضاءه فهو سارق؛ کسی که قرض بگیرد در صورتی که تصمیم داشته باشد آن را پس بدهد، در امان خداست تا آن را اداء کند، ولی اگر تصمیم نداشته باشد آن را به صاحبش برگرداند، دزد محسوب می‌شود. (۸۵)

۲–برخورد با بدهکار

«إن کان لک علی رجل حق فوجدته بمکه أو فی الحرم فلا تطالبه به و لا تسلم علیه فتفزعه إلا أن تکون أعطیته حقک فی الحرم فلا بأس أن تطالبه فی الحرم»؛ اگر از شخصی طلبکاری و او را در مکه یا در حرم یافتی، از او مطالبه مکن و بر وی سلام هم مکن؛ که از تو ترسان شود. بلکه اگر در محدوده‌ی حرم چیزی به وی دادی می‌توانی در آنجا مطالبه کنی. (۸۶)

نتیجه‌ی قرض‌الحسنه

روی عن فقه الرضا علیه‌السلام: «أن أجر القرض ثمانیه عشر ضعفا من أجر الصدقه لأن القرض یصل إلی من لا یضع نفسه للصدقه لأخذ الصدقه؛ پاداش وام ۱۸ برابر بیش از صدقه است، زیرا قرض‌الحسنه باعث می‌شود که شخص به گرفتن صدقه دچار نشود.» (۸۷)

۳–فلسفه‌ی تحریم ربا

محمد بن سنان گوید: حضرت رضا علیه‌السلام در جواب مسائل من نوشت:

علت تحریم ربا و نهی خداوند از آن از این جهت است که خداوند متعال از فساد اموال جلوگیری کرده و مردم را از مخلوط شدن مال آن‌ها به حرام بازداشته است.

هر گاه آدمی یک درهم را به دو درهم خریداری کرد یک درهم آن مشروع و درهم دیگر باطل است و خرید و فروش ربوی در هر حال برای فروشنده و مشتری موجب ضرر و زیان است.

پس خداوند متعال بنده خود را از ربا بازداشته تا صاحب مال گرفتار فساد و تباهی مال نگردد، همان طور که سفیه را از تصرف مالش منع کرده تا آنگاه که سفاهت او برطرف شده و قدر و قیمت مالش را بداند، و از این رو خرید و فروش یک درهم را به دو درهم حرام فرموده است.

بعد از اینکه خداوند حرمت ربا را بیان کرده و در قرآن مجید حکم آن را فرموده هر کس این حرام را مرتکب شود و حکم خداوند را زیر پا گذارد مرتکب کفر شده است؛ و علت دیگر آنکه اگر در جامعه اسلامی رباخواری پدید آید، مردم خوبی‌ها را فراموش می‌کنند، و برای رسیدن به مال زیاد از هر گونه ظلم و اجحاف خودداری نخواهند کرد، و در نتیجه قرض¬الحسنه و اعمال نیک در جامعه از بین می‌رود، و فساد و تباهی و از بین رفتن اموال مردم و تلف شدن ثروت عمومی و انحصار آن پیش خواهد آمد. (۸۸)

نتیجه گیری

با توجه به سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله که در آخرین سال‌های حیات خود که فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»؛ و با تتبع و تحقیق در ثقل اکبر یعنی قرآن و ثقل اصغر یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به این نتیجه می‌رسیم که کسی که قرض دهد مانند این است که به خدا قرض داده‌ایم. خدایی که بی نیاز است و نیازی به پول و قرض دادن ما ندارد پس چرا قرض دادن به خدا می‌باشد این یعنی، این که اغنیاء به کمک و یاری مستمندان و فقرای جامعه بشتابند و گره از کار آنان وا نمایند و خداوند هم در قبال این کار ثواب‌هایی مضاعف و پاداش‌هایی فراوان می‌دهد؛ و تا زمانی که شخص مؤمن نیاز به قرض ندارد نباید خود را بدهکار نماید زیرا قرض گرفتن بیهوده و بی نیاز موجب و غم و اندوه می‌شود ولی کسی که دخلش به خرجش نمی‌رسد می‌تواند قرض نماید و خدا هم به کسی که قرض می‌دهد وام بدون بهره می‌دهد، که این قرض‌الحسنه را بنا بر فرموده امام رضا علیه‌السلام در مقابل ربا قرار داده است، به هر درهمی خداوند معادل کوه احد و طور سینا به او حسنات می‌دهد و از صراط عبور می‌نماید و کسی که قرض گرفته باید در پرداخت آن شتاب نماید و در اسرع وقت آن بدهی را پرداخت نماید تا دیگران هم بتوانند از آن استفاده نمایند چون کسی که قصد پرداخت آن را نداشته باشد خیانت نموده است و مؤمن هم خیانت نمی‌نماید و گره هم از مشکل دیگر برادران مسلمان باز می‌شود، و خداوند هم برای کسی که قرض داده روز قیامت تلافی می‌نماید و آن کسی که خیانت می‌نماید خداوند از حسناتش بر می‌دارد و به

او می‌دهـد و تمام حسـنات قرض گیرنـده برابر با سیئات قرض دهنـده می‌شود. به امید آن روز که در این جامعه‌ی ما و تمامی دنیا از وام‌های ربوی، نزول و ربا پاک شود و سـنت حسـنه‌ی الهی و نیکو که همان قرض‌الحسنه می‌باشد جایگزین آن شود؛ و این جامعه از فقر و بیکاری رخت بر بندد به شرطی که اغنیاء به این سنت الهی پایبند باشند.

پی نوشت¬ها:

۱–کهف/ ۱۷.

۲–تغابن/ ۱۷.

۳–بقره/ ۲۶۲ و ۲۶۵.

۴–مزمّل/ ۲۰.

۵–قاموس قرآن/ ج ۵/ ص ۳۰۶–۳۰۷.

۶–حقوق مدنی، طاهری/ج ۴/ ص ۳۳، حقوق مدنی، امامی، ج ۲/ص ۱۹۳، فقه استدلالی/ ص ۳۰۶.

۷–معارف و احکام نوجوانان، ص: ۳۳۲/ حسین نجف آبادی.

۸–تاریخ پیامبر اسلام/ ابراهیم آیتی/ ص ۲۲۶.

۹–برگرفته از کتاب: پول، بانک، صرافی، محمد حسین ابراهیمی، فصل پنجم تعریف و شناخت «بانک».

۱۰–قرض‌الحسنه / ص ۲۳.

۱۱– تفسیر کوثر/ ج ۱/ ص ۵۶۵.

۱۲–بقره/ ۲۶۷.

۱۳–حشر/ ۹.

۱۴–بقره/ ۲۷۳.

۱۵–بقره/ ۲۷۱.

۱۶–بقره/ ۲۶۴.

۱۷–بقره/ ۲۶۵.

۱۸–مدثر/ ۶.

۱۹–آل عمران/ ۹۲.

۲۰–حدید/ ۷.

۲۱–مائده/ ۲۷.

۲۲–تفسیر نمونه / جلد ۲۳/ ص۳۲۳ تا ص۳۲۵.

۲۳–مائده/ ۱۲.

۲۴–تغابن/۱۷

۲۵–یوسف/۳۶.

۲۶–مشکاة الانوار/ ترجمه عطاردی/ ص ۱۹۹.

۲۷–نساء/۱۱۴.

۲۸–المیزان/ج ۵/ص ۹۴، من لایحضره الفقیه/ ترجمه غفاری/ ج ۲/ص ۳۶۴.

۲۹–وسائل الشیعه/ج ۱۲/ ص ۴۲۳.

۳۰–مائده/۲.

۳۱–قرض‌الحسنه / ص ۳۵.

۳۲–وسائل الشیعه/ج ۱۳/ ص ۷۷.

۳۳–وسائل الشیعه/ج ۱۳/ ص ۷۷.

۳۴–ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه بندر ریگی/ ص ۲۹۷.

۳۵–همان.

۳۶–همان.

۳۷–همان.

۳۸–نهج الفصاحه/ ص ۶۱۱.

۳۹–بحارالانوار/ ج ۷۲/ ص ۴۵۹؛ تحف العقول/ ص ۳۳۷.

۴۰–ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ۱۳۸؛ وسائل الشیعه/ باب ۶/ ج ۱۸/ ص ۳۳۰/ ح ۲۳۷۸۵؛ بحارالانوار/ج ۱۰۰/ ص ۱۳۹، باب ۱، ثواب القرض.

۴۱–بحارالانوار/ ج ۷۳/ ص ۳۶۹، باب ۶۷؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ۲۸۹؛ وسائل الشیعه/ باب ۶/ ج ۱۸/ ص ۳۳۱.

۴۲–وسائل الشیعه/کتاب التجاره، ابواب الدین، باب ۸/ج ۱۸/ ص ۳۳۳؛ بحارالانوار/ ج ۱۰۰/ص ۱۴۶، باب ۳؛ جامع احادیث الشیعه/ج ۳/ ص ۲۳، باب ۹/ ص ۷۱۸.

۴۳–وسائل الشیعه/باب ۴/ج ۱۸/ ص ۳۲۴، باب ۴؛ بحارالانوار/ج ۹۷/ ص ۱۰/ باب ۱؛ حدائق الناظره، کتاب الدین/ ج ۲۰/ ص ۱۰۲، کتاب الدین.

۴۴–من لا یحضره الفقیه/ ج ۳/ص ۱۸۳ باب الدین و القرض/ ح ۳۶۸۸؛ جامع احادیث الشیعه/ ج ۲۳/ ص ۷۰۶/ باب ۷.

۴۵–الکافی/ ج ۵/ ص ۹۳، باب الدین؛ من لا یحضره الفقیه/ج ۳/ ص ۱۸۲، باب الدین و القرض؛ مرآت العقول/ ج ۱۴/ ص ۴۳/ ح ۱.

۴۶–گناهان کبیره/ج ۲/ ص ۱۵؛ کافی/ ج ۵/ ص ۹۳، باب الدین.

۴۷– کافی/ج ۵/ص ۹۴، باب الدین.

۴۸– وسائل الشیعه/ج ۱۸/ ص ۳۲۵/ باب ۴؛ علل الشرایع/ج ۲/ ص ۵۲۸، باب ۳۱۲؛ من لا یحضره الفقیه/ ج ۳/ ص ۱۸۳.

۴۹– وسائل الشیعه/ابواب الدین/ ج ۱۸/ ص ۳۴۳/باب ۱۱؛ تهذیب الاحکام/ ج ۶/ ص ۲۲۶، باب ۸۸.

۵۰– گناهان کبیره/ج ۲/ص ۱۶، وسائل الشیعه/ج ۱۶/ص ۳۰۹، باب ۸، مستدرک الوسائل/ج ۱۲/ ص ۳۵۹، باب ۱۸؛ من لا یحضره الفقیه/ج ۲/ ص ۵۸، باب فضل المعروف.

۵۱– الخصال/ج ۱/ ص ۱۵۳؛ الکافی/ج ۵/ ص ۹۹؛ روضه الواعظین/ ج ۲/ص ۳۵۷؛ مجموعه ورام(تنبیه الخواطر) / ج ۲/ ص ۲۲۷؛ الوافی/ ج ۱۸/ ص ۷۸۷.

۵۲– وسائل الشیعه/ ج ۱۸/ص ۳۲۹، باب ۵؛ من لا یحضره الفقیه/ ج ۳/ص ۱۸۳؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام/ ج ۲۵/

ص ۴۲؛ جامع احادیث الشیعه/ ج ۲۳/ ص ۷۱۶؛ روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه/ج ۶/ ص ۵۲۲.
۵۳- گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۱۸.
۵۴- وسائل الشیعه/ باب ۸ / ج ۲۱/ ص ۲۶۸ و ج ۲۸/ ص ۲۹۳/ باب ۲۷؛ الخصال/ج ۱/ ص ۱۵۳؛ تهذیب الاحکام/ج ۱۰/ ص ۱۵۳، باب ۱۰؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام/ج ۶/ ص ۳۶۴.
۵۵- من لا یحضره الفقیه / ج ۳/ ص ۱۸۳؛ الکافی/ ج ۵/ ص ۹۵، باب قضاء الدین؛ وسائل الشیعه/ج ۱۸/ ص ۲۳۸، باب ۵؛ بحارالانوار/ج ۱۰۰/ ص ۱۴۷، باب ۳.
۵۶- بقره/ ۲۸۰.
۵۷- وسائل الشیعه/ ج ۱۸/ ص ۲۳۴، باب ۸ و ص ۳۶۶، باب ۲۵؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ۱۳۹؛ درر الاخبار با ترجمه/ ص ۷۱۲؛ مجموعه ورام(تنبیه الخواطر) /ج ۲/ ص ۲۶۵.
۵۸- گناهان کبیره/ج ۲/ ص ۱۹.
۵۹- وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب ۲۵/ ج ۱۸/ ص ۳۶۷؛ الکافی/ ج ۴/ ص ۳۵؛ من لا یحضره الفقیه/ ج ۲/ ص ۵۹؛ تفصیل وسائل الشیعه/ج ۱۶/ ص ۳۱۹.
۶۰- وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب ۲۵/ ج ۱۸/ ص ۳۶۷؛ بحارالانوار/ ج ۱۰۰/ ص ۱۴۹، باب ۴؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ۱۴۵.
۶۱- وسائل الشیعه/ج ۱۸/ ص ۳۶۷.
۶۲- همان/ ۳۶۷.
۶۳- همان/ ۳۶۷.
۶۴- وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب ۲۵/ ج ۱۸/ ص ۳۶۷؛ الکافی/ ج ۴/ ص ۳۵؛ من لا یحضره الفقیه/ ج ۲/ ص ۵۹؛ تفصیل وسائل الشیعه/ج ۱۶/ ص ۳۱۹.
۶۵- وسائل الشیعه/ ج ۱۸/ ص ۳۳۰، باب ۶؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ۱۳۸؛ بحارالانوار/ ج ۱۰۰/ ص ۱۳۹، باب ۱.
۶۶- وسائل الشیعه/ج ۱۸/ ص ۳۳۰، باب ۶؛ الحدائق الناظره/ ج ۲۰/ ص ۱۶.
۶۷- وسائل الشیعه/ج ۱۸/ ص ۳۳۱، باب ۶.
۶۸- وسائل الشیعه/ ج ۱۸/ ص ۳۳۱، باب ۶.
۶۹- وسائل الشیعه/ ج ۱۸/ ص ۳۳۱، باب ۶؛ الحیاه با ترجمه احمد آرام/ج ۶/ ص ۱۵۱/ ح ۱۴۹؛ بحارالانوار/ ج ۷۳، باب ۶۷/ ص ۳۶۹؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ص ۲۸۹؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه/ ج ۱۶/ ص ۳۹، باب تحریم منع المؤمن.
۷۰- وسائل الشیعه، ابواب الدین، باب ۲۵/ ج ۱۸/ ص ۳۶۸؛ الحیاه با ترجمه احمد آ رام/ ج ۶/ ص ۱۵۰؛ من لا یحضره الفقیه/ ج ۲/ ص ۵۹؛ الکافی/ ج ۴/ ص ۳۶، باب انظار المعسر؛ تفصیل وسائل الشیعه/ ج ۱۶/ ص ۳۲۰، باب ۱۲.
۷۱- گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۱.
۷۲-همان/ ج ۲/ ص ۲۱.
۷۳-همان/ ج۲/ ص ۲۱.
۷۴-گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۲.

۷۵-گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۲.
۷۶-گناهان کبیره/ج ۲/ ص ۲۲؛ مستدرک الوسائل/ج ۱۳/ ص ۳۹۳، باب ۴، باب الدین.
۷۷-گناهان کبیره/ج ۲/ ص ۲۲.
۷۸-جامع الاخبار/ ص ۱۵۶ فصل ۱۱۸.
۷۹-جامع الاخبار/ ص ۱۵۶ فصل ۱۱۸.
۸۰-جامع الاخبار/ ص ۱۵۶ فصل ۱۱۸.
۸۱-جامع الاخبار/ ص ۱۵۷ فصل ۱۱۸؛ گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۲۵.
۸۲-قرض الحسنه/ ص ۵۶.
۸۳-وسائل الشیعه /ج ۱۸/ ص ۹۲.
۸۴-فقه الرضا/ ص ۲۶۸، بحارالانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۵۶؛ بحار/ج ۱۰۰/ ص ۲۵۶؛ مستدرک الوسائل/ ج ۱۳/ ص ۴۱۵/ باب نوادر.
۸۵-فقه الرضا/ ص ۲۶۸؛ بحارالانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۵۰.
۸۶-فقه الرضا/ ص ۲۵۳؛ بحارالانوار/ ج ۱۰۳/ ص ۱۵۶.
۸۷-بحارالانوار / ج ۱۰۳/ ص ۱۴۰ و فقه الرضا/ ص ۲۵۶.
۸۸-اخبار و آثار امام رضا علیه‌السلام/ ص ۷۰۱-۷۰۲.

منابع

قرآن مجید

۱-اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام،۳۳ جلدی، ناشر: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه ق، بیروت- لبنان.

۲-نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلدی، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه ق، بیروت- لبنان.

۳-عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلدی وزیری، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه ق، قم.

۴-جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، نشر: انتشارات هجرت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶ ش، قم.

۵-مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۲ ش، تهران.

۶-شهید ثانی، زین الدین بن علی، فقه استدلالی ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، امینی، علی رضا و دادمرزی مهدی، انتشارات: کتاب طه، چاپ دوازدهم، زمستان ۱۳۸۶ ش، قم.

۷-منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام، الفقه- فقه الرضا، محقق/ مصحح: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام در قم، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه ق، مشهد.

۸-عطاردی، عزیز الله، مشکاه الانوار- ترجمه عطاردی، نشر عطارد، چاپاول، ۱۳۷۴ شمسی، تهران.

۹- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، قم.

۱۰-شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر، ناشر: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش، تهران.
۱۱-آیتی، ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات.
۱۲-ابراهیمی، محمد حسین، قرض الحسنه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، قم.
۱۳-ابراهیمی، محمد حسین، پول، بانک، صرافی، انتشارات.
۱۴-طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه ق، قم.
۱۵-امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ناشر: انتشارات اسلامیهٔ، تهران.
۱۶-نجف‌آبادی، حسین علی، معارف و احکام نوجوانان، محقق/ مصحح: گردآورنده: ناصر مکاریان، ناشر: نشر سرایی، چاپ اول، ۱۴۲۳ ه ق، قم.
۱۷-اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داودی، ناشر: دار العلم- الدار الشامیهٔ، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه ق، لبنان- سوریه.
۱۸-قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ناشر: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه ق، تهران.
۱۹-دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۷۸ ش، قم.
۲۰-شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، انتشارات رضی، چاپ اول، سال ۱۴۰۵ ق، قم.
۲۱-حجاری، سید مهدی/ حجازی، سید علی رضا و عیدی خسروشاهی، محمد، دررالأخبار با ترجمه، نشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، سال ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.
۲۲-اخوان حکیمی- احمد آرام، الحیاه با ترجمه احمد آرام، نشر:دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۸۰ ش، تهران
۲۳-محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، ناشر: آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، قم.
۲۴-لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، محقق/ مصحح: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، ناشر: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۵ ه ق، قم.
۲۵-شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ناشر: دار الرضی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، قم.
۲۶-شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، مترجم: محدث بندرریگی، ابراهیم، ناشر: انتشارات اخلاق، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش، قم.
۲۷-بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره، محقق/ مصحح: محمد تقی ایروانی- سید عبد الرزاق مقرم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه ق، قم.
۲۸-ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبیه الخواطر) نشر: مکتبه فقیه، چاپ اول، قم.
۲۹-شیخ صدوق، الخصال، ناشر: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، قم.
۳۰-شیخ صدوق، خصال، ترجمه: محمد باقر کمره ای، ناشر: انتشارات کتابچی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، تهران.
۳۱-طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم،۱۴۰۷ ه ق، تهران.
۳۲-اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق/ مصحح: سید حسین موسوی

کرمانی- علی‌پناه اشتهاردی- سید فضل الله طباطبائی، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ه ق، قم.
۳۳-بروجردی، آقا حسین طباطبایی، جامع أحادیث الشیعه، ناشر: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه ق، تهران.
۳۴-نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق/ مصحح: عباس قوچانی- علی آخوندی، ناشر: دار إحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت- لبنان.
۳۵-ابن فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، نشر: انتشارات رضی، چاپ اول، قم.
۳۶-ابن فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول، سال ۱۳۶۶ ش، تهران.
۳۷-شیخ صدوق، علل الشرائع، ترجمه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، نشر: انتشارات مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، قم.
۳۸-اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق/ مصحح: سید هاشم رسولی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه ق، تهران.
۳۹-پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، نشر: دنیای دانش، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۲ ش، تهران.
۴۰-کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، محقق/ مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، ناشر: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه ق، اصفهان.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف،

سرویس دهی بـه محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار هـای علـوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگـان نرم افزار های تلفن همراه و چنـدین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصـلی این خانه (قائمیه) امید داشـته و امیدواریم حضـرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شمـاره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ ۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجـاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم ما که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرماید: «ای بنده

بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹